

نیایش کوتاه برای ۲۳ اوت ۲۰۲۰

خواهران و برادران مسیحی گرامی!

خیلی از ما داستان حضرت داوود را می شناسیم. که یک روز در اورشلیم بروی پشت بام خانه روبروی قصر خود زنی بسیار جوان و فوق العاده زیبایی را می بیند و بلافاصله عاشق آن زن زیبا روی می شود. ولی ادامه این ماجرا به همین سادگی ها نمی باشد: این زن جوان، با نام بتشبع، صاحب همسر می بود، و شوهر وی با نام اوریا، یکی از سربازان ارتش بزرگ داوود بود.

در این میان داوود که عاشق این زن جوان شده بود و احساس علاقه اش به او بسیار بود بطور ناگهانی تمام چهارچوب اخلاقی و مذهبی خود را کنار گذاشته، و از همه مهم تر حکم و فرمان خداوند را در مورد حفظ زندگی زناشویی را به دست فراموشی سپرده و پیوسته با این زن جوان وارد یک رابطه نامشروع که در همسایگی او زندگی میکرد شده، بطوریکه که آن زن از داوود حامله می گردد. داوود در ذهن خود به طرح نقشه پلیدی می پردازد: با فرمان داده شده از طرف داوود، همسر بتشبع به جنگ بعدی فرستاده می شود و هم رزمان وی پس از حمله بطور عمدی طبق فرمان از قبل داده شده داوود عقب نشینی کرده و بعلت آنکه اوریا در خط مقدم جبهه می جنگید کشته میشود و بتشبع پس از گذشت زمان عزاداری برای همسر خود به عقد داوود درآمده و همسر داوود پسری را به دنیا می آورد.

" ولی این کار و عمل داوود در نزد خداوندکار بسیار ناپسندی محسوب می شد". در کتاب دوم ساموئیل به این شکل این داستان نوشته شده است. رابطه نامشروع و عمل ارتکاب به قتل – دو عمل بسیار ننگینی که چون باری بر روی وجدان حضرت داوود سنگینی می کرد. و مدت زمان زیادی نمی گذرد که داوود با واکنش خداوند روبرو می گردد. من از شما خواهش می کنم کتاب انجیل را درست گرفته و به ادامه خواندن باقی ماجرا در کتاب دوم ساموئیل بپردازید، باب ۱۲، آیه ۱ تا ۱۵.

یک شاهکار با سخنانی بسیار فصیح و رسا که ناتان آنرا ارائه می کند. در واقع یک تشبیه بسیار خارق العاده به حساب می آید. با سخنانی بسیار برجسته، که خداوند چطور داوود پادشاه مقتدر از قوم بنی اسرائیل را وادار می سازد تا در مورد خود داور و قضاوت نماید، بطوریکه شاید از زبان شخص دیگری چندان قابل پذیرش نمی بود. تو خود همان شخص می باشی! که هسته مرکزی این داستان میباشد. آیا شما می توانید هراس و ترس داوود را تصور کنید، همان موقع که وی متوجه شد، تشبیه آن گوسفندان داستان زندگی خودش می باشد؟ و اکنون ببینیم واکنش خودش را: داوود خود را گناهکار و مقصر شناخت. و او حرفی نداشت، بدون چون و چرا خطای خود را قبول کرده، و سعی به طفره رفتن نمی کند: من در برابر خداوند مرتکب گناه بزرگی شدم. و بعلت قبول و پذیرش گناه خود، امکان بخشش و عفو از سوی خداوند نیز امکان پذیر گردید. به هر جهت و حداقل توانست زندگی خود را نجات دهد. البته پسر او بعدها فوت می کند. نا گفته نماند من متوجه نیستم چرا یک بچه بی گناه هدف انتقام جویی و یا مورد مجازات خداوند قرار می گیرد؛ این قسمت از داستان برای من بسیار عجیب و غریب و ترسناک میباشد.

ولی آنچه را که من متوجه می شوم – نه، من می شنوم و آنرا می پذیرم، این است که خداوند داوود را زنده گذاشته، زیرا او خود را گناهکار می شناسد و به آن اقرار می کند، همانطوریکه در کتاب ساموئیل نوشته شده است.

و این داستان قدیمی، ما را شخصاً تحت تاثیر خود قرار می دهد. برای اینکه ما نیز در اغلب مواقع به همان موقعیت حضرت داوود از قوم بنی اسرائیل قرار می گیریم. زیرا ما همیشه گناهکاریم و دایماً در

حال انجام گناه جدیدی می باشیم که انجام همه آنها بمانند بارسنگینی برایمان تلقی میشود، به همین دلیل باید یک پیمای از سوی خداوند به ما رسانیده شود که بگوید: تو آن مرد، زن و همان نوجوان و کودک هستی!

تو همان انسانی که درمقابل خداوند ایستاده، با بارسنگین خطاها و اشتباهات و گناهان که انجام داده و انجام خواهد داد. پس یقیناً منظور، توهستی. دقیقاً این مشکلات و مسائل به خودت و تقصیرات و شکست درزندگی خودت بستگی دارد. و ما حق داریم به مانند داوود در آن زمان هراسناک شویم. و امیدوارم که ما در اینجا یک مورد از او بیاموزیم: در برابر و مقابل خداوند خود را مقصر دانسته، و به اشتباهات خود پی برده و آنچه را به روی وجدان و روح خودسنگینی میکند را بپذیریم.

آن موقع است که این امکان وجود خواهد داشت، مورد بخشش قرار بگیریم و آنرا تجربه کنیم، یک شروع تازه بعنوان یک هدیه بواسطه آن کسی که بروی صلیب بالای تپه جلجاتا خود را به کشتن داد. در آن زمان هم یک فرزند پسر در ارتباط با گناهان والدین اش جان خود را از دست داد. در جلوی دروازه شهر اورشلیم پسر خداوند بصورت زنده برای پاک شدن گناهان همه ما انسانها، زندگی خود را از دست داد و خود را قربانی نمود، تا ما زنده بمانیم، تا ما زندگی کنیم و صاحب آینده ایی باشیم.

این جمله تکان دهنده ناتان مبنی بر اینکه "تو خود همان شخص هستی". امروز برای ما مسیحیان معنی دیگری دارد: تو همان انسانی هستی، که گناهکار است و همواره و پیوسته گناهکار باقی می ماند؛ تو دقیقاً همان انسانی هستی که پسر خداوند برای توا زندگی اش گذشته. تو اکنون می توانی مجدداً به زندگی ات ادامه دهی، چرا که بارسنگین گناهان مان از روی شانه هایم برداشته شده و در واقع روح و وجدان ما سبک گردیده است.

شناختن و دانستن گناهان خود در حقیقت شروع بخشش و عفو می باشد. از خداوند خواهان آن هستیم که به ما قدرتی داده بمانند حضرت داوود که بگوییم: من در برابر خداوند تقاضای بخشش دارم. از جانب او، یعنی خداوند چنین قدرتی برمی آید، و بخشش و عفو نیز از جانب او شدنی است، و او با دادن قدرت در این راه جدید و نو ما را در زندگی یاری و کمک می نماید. و این به مانند تجربیاتی برای ما خواهد بود که در انتها به واقعیت می پیوندد! آمین

Liedverse (EG 293, 1.2)

سرود

ستایش کنید خداوند را، پروردگارا، ای شما همه کافران، / ستایش کنید خداوند را از ته قلبتان، / پس ستایش و حمد کنید او را، ای شما همه اقوام و مردمان، / او را سپاس دارید همه زمانها، / که او نیز شما را انتخاب و برگزیده است / و رحمت و فیض خود را به همه ابلاغ کرده است / از طریق عیسی مسیح، پسر خداوند.

پس رحمت بسیار زیاد او / همیشه آن رحمت بر ما حاکم می باشد، / حقیقت، رحمت و نیکی او / بر جوان و پیر ظاهر می گردد / و ادامه دارد برای همیشه، / به ما رحمت ات و سعادت را عطا کن ؛ / بنابراین بخوانید هله لوییا! (اگ ۲۹۳، ۱.۲)

Gebet

دعا

هم آنچه را که ما در درون قلبمان داریم، از طریق دعا و نیایش در برابر خداوند آنرا به لب می آوریم، همانطوری که عیسی مسیح به یاران و نزدیکان اش آموخت:

ای پدر ما که در آسمان هستی. نامت مقدس باد. فرمانروایی تو برقرار شود. خواسته های توانجام شود،
بروی زمین همانطوری که در آسمان اینگونه است. به ما روزی رسان در این روز. و گناهان مان را
ببخش، همانگونه که ما گناهان دیگران را می بخشیم، ما را از وسوسه دور بدار، از شرارت و
کارهای بد. و همانا فرمانروایی شایسته توست، و قدرت تو جلال و شکوه، از برای همیشه تا همیشه.
آمین

یوهانس دو کلاینه

Johannes de Kleine